

## یک بعثی فرمانده نیروی مقاومت بسیج



حزب بعث یکی از پیچیده ترین و اطلاعاتی ترین احزاب خاورمیانه است که در زمینه های جاسوسی، پیشرفتهای زیادی داشته و هدف اصلی آنها نفوذ در ارکان امنیتی دشمنانشان می باشد. محمدرضا ثمانی (معروف به نقدی) در سال 1358 بعنوان معاود عراقی که ظاهراً توسط صدام از عراق اخراج شده بود از مرز ایران عبور و در شهر نقده سکنی گزید. وی چند ماه بعد به تشکیلات مجلس اعلاى عراق که یک گروه شیعی ساخته سیستم اطلاعاتی ایران بود پیوست و بعنوان مسنول دفتر جذب این گروه عراقی در ارومیه، شروع به فعالیت نمود.

از نظر اداره اطلاعات ارومیه وی فردی مشکوک ارزیابی شده و بطور کامل تحت نظر قرار می گیرد. در جریان این مراقبتها روشن می شود که وی هر روز مدت نیم ساعت در مکانی خلوت و به دور از چشم دیگران به شکنجه خود می پردازد. وی با شلاق به بدن خود می کوبید و از درد بخود می پیچید. این رفتار مازوخیستی مورد توجه قرار گرفته و نقدی برای توضیح این رفتارش احضار می شود. وی از اینکه تحت نظر بوده بسیار وحشت زده شده و دلیل شکنجه خود با شلاق و کابل را خودسازی انقلابی عنوان می کند. ارزیابی مأمور اطلاعاتی پرونده وی این بوده که این رفتار بیشتر شبیه رفتار جاسوسانی است که می ترسند لو بروند و برای همین با شکنجه کردن خود، آمادگی لازم برای دستگیری و زیر شکنجه قرار گرفتن را تمرین می کنند.

یکسال بعد، یکی از فرماندهان رده بالای حزب دمکرات ایران خود را در شهر سردشت تسلیم نموده و در بازجویی های اولیه پرده از اسرار مهمی بر می دارد. وی از وجود یک شبکه جاسوسی حزب بعث عراق در ایران صحبت می کند و بدون اینکه نام جاسوسان نفوذی را بداند به موقعیت آنها اشاره می نماید و مسنول دفتر مجلس اعلاى عراق در ارومیه را بعنوان یکی از جاسوسان مسلم استخبارات عراق معرفی می کند. بدلیل اهمیت اطلاعات وی، قرارگاه حمزه در ارومیه دستور می دهد که بازجویی متوقف و این فرمانده عالیرتبه حزب دموکرات به ارومیه منتقل شود. در این فاصله نقدی بلافاصله بطور موقت بازداشت شده و تحت نظر قرار می گیرد.

بطرز عجیبی، فرمانده عالیرتبه حزب دموکرات در حین انتقال به ارومیه، در مکانی که به هیچ وجه انتظار نمی رفته به همراه اسکورت همراهش همگی در یک کمین کشته می شوند. تیمی مامور تحقیق در مورد این کمین شده و در گزارش خود از منطقه ای که حمله انجام شده و سرعت عمل و کشته شدن کلیه افراد بطور غافلگیرانه، ابراز تعجب می کند. مشخص بوده که هیچیک از افراد اسکورت فرصت استفاده از اسلحه خود را پیدا نکرده و باصلاح کاملاً غافلگیر شده و همگی از فاصله ای بسیار نزدیک مورد اصابت قرار گرفته اند. تیم تحقیق در گزارش خود می نویسد که احتمالاً مهاجمین ملبس به یونیفورم نیروهای خودی و سوار بر خودروی نظامی بوده اند که توانسته اند تا این اندازه نزدیک شده و افراد اسکورت را غافلگیر نمایند.

اسرار این فرمانده عالی حزب دموکرات در خاک دفن شد، ولی فردی که بازجویی اولیه را انجام داده بود گزارش دقیق تری از شنیده های خود نوشت و تأکید نمود که اطمینان دارد محمدرضا ثمانی با اسم مستعار "شمس"، جاسوس حزب بعث عراق است. نویسنده این گزارش نیز 8 ماه بعد در کردستان کشته می شود.

محمدرضا نقدی با اعمال نفوذی که از تهران بعمل می آید آزاد شده و ارومیه را ترک می نماید. وی مدتی بعد بطور چراغ خاموش سر از لشکر بدر (متعلق به مجلس اعلاى عراق) درآورده و در آنجا مشغول بکار می شود. وی فقط در امور ستادی فعالیت نموده و هرگز در هیچ عملیاتی در جنگ شرکت نمی کند.

بعد از اتمام جنگ وی به نیروی قدس سپاه منتقل شده و مدتی بعد با شروع جنگ در یوگوسلاوی سابق وی بعنوان فرمانده پاسداران سپاه قدس به « بوسنی و هرزگوین » اعزام و تاپایان بحران در آن منطقه باقی می ماند.

در سال 1371 با حکم رهبر وی درجه سرتیپی گرفته و به فرماندهی حفاظت اطلاعات ناجا منصوب شد. وزارت اطلاعات مخالفت شدید خود را با انتصاب یک فرد عراقی الاصل که مشکوک به بعثی بودن است را به اطلاع رهبری رسانید که مورد توجه قرار نگرفت. وی در این سمت با هماهنگی محسنی اژه ای رئیس دادگاه ویژه روحانیت، انتقام حمایت از اصلاح طلبان را از کرباسچی شهردار وقت تهران گرفته و وی و بیش از 164 شهردار، مدیر، کارمند ارشد و میانی شهرداری تهران را بازداشت نموده و تحت شکنجه های وحشیانه قرار داده و آنها را با پرونده های ساختگی راهی دادگاه نموده و محسنی اژه ای در مقام قاضی این دادگاه کرباسچی و همکاران وی را به زندان محکوم می نماید.

در سال 1382 وزارت اطلاعات با کشف بانده "کبیر" بریاست نقدی وی را بمدت دو ماه و نیم بازداشت و پرونده وی و همدستانش را تحویل دادگاه نظامی نمود و جلسات اولیه محاکمه برگزار ولی پس از روی کار آمدن احمدی نژاد با درخواست فرمانده سپاه و بدستور رهبر، روند رسیدگی به این پرونده متوقف شد و استدلال هم این بود که این پرونده توسط وزارت اطلاعات دوران خاتمی تشکیل شده و با توجه به نقش کلیدی نقدی در پرونده کرباسچی، هر گونه محکومیت وی یک پیروزی برای اصلاح طلبان خواهد بود. نقدی مجدداً با حکم رهبر یک سمت تشریفاتی در نیروهای مسلح یافت تا در سایه برای روز مبادا باقی بماند.

پس از تصمیم رهبر برای برکناری طائب از فرماندهی بسیج، فرمانده سپاه سه نفر را برای جانشینی وی به رهبر پیشنهاد می دهد که در کمال ناپاوری، رهبر نفر چهارمی را خود برای این سمت مهم در نظر می گیرد، یک بعثی بنام سردار محمدرضا نقدی.

در احکام جدید رهبر، همچنین سردار سلامی به سمت جانشین فرماندهی کل سپاه منصوب شد تا سردار جعفری توسط یک جانشین ناخواسته، محدودتر شده و تحت کنترل بیشتری قرار گیرد. این جابجایی ها و بویژه استفاده از یک چهره منفور و مشکوک نظیر نقدی، فقط بدلیل بی اعتمادی رهبر نسبت به سپاه که ریشه در بدبینی عمومی وی دارد انجام گرفته و هیچ ارتباطی با حرکت بسمت تنش زدانی و آرام کردن اعتراضات عمومی ندارد.

حال باید دید که آیا اثری از بسیجیان رزمنده دوران جنگ، که با صدامیان و بعثیون جنگیدند و در عملیاتی که غالب آنها توسط جاسوسان نفوذی صدام، از پیش لو رفته و سبب تلفات سنگین و عدم هر گونه موفقیتی شد برادرانشان را از دست دادند، باقی مانده است که در مقابل انتصاب یک بعثی به فرماندهی اشان بایستند؟

[http://sohrabestann.blogspot.com/2009/10/blog-post\\_06.html](http://sohrabestann.blogspot.com/2009/10/blog-post_06.html)